

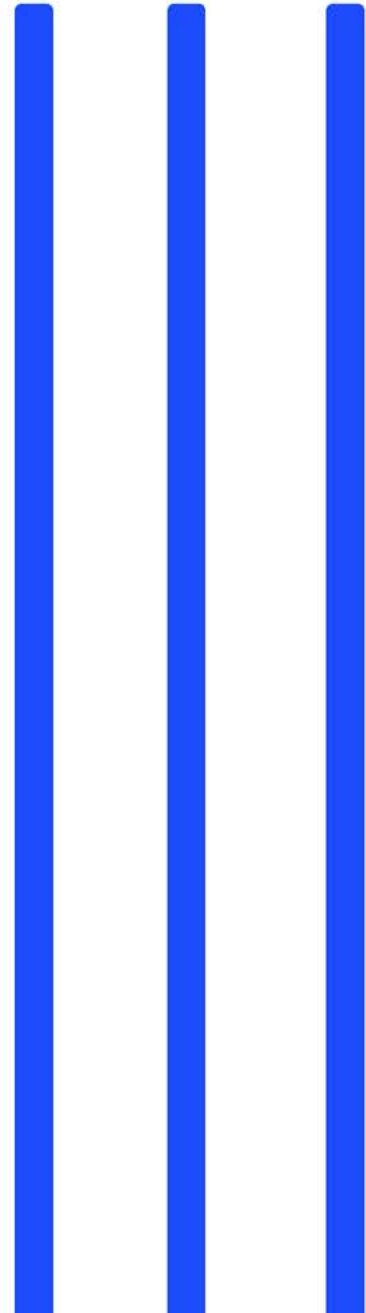
ما از عدالت سهمی داریم
سازمان حقوق بشر ایران

سال پنجم شماره ۱۱۱

۲۴ آبان ۱۳۹۸ / ۱۵ نوامبر ۲۰۱۹



تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان



ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: مریم غفوری

تحریریه: احسان حسینزاده، شهرزاد کریمی، علی اصغر فریدی

صفحه بندی: ماهور خوش قدم

تماس با مجله: mail@iranhr.net

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

شرایط و خیم زندانیان عقیدتی-سیاسی به رغم آیین نامه
تفکیک زندانیان

انتقال زندانیان سیاسی به بند جرایم عمومی؛ به قصد آزار؟

اگر دمکراسی داشته باشیم زندانی سیاسی نخواهیم داشت

قتل زندانیان سیاسی در بند جرائم عمومی، قتل دولتی است

تفکیک نشدن زندانیان بر اساس جرم، تبعات سنگین
روحي به بار می آورد

تفکیک نکردن زندانیان سیاسی، با هدف فشار و
شکنجه صورت می گیرد

تعداد زیاد زندانیان، زندان های کوچک و معضل
تفکیک زندانیان

در این بند با چاقو مورد حمله چند تن از زندانیان قرار گرفت. دخترش، هنگامه واحدیان شاهرودی،^۱ درباره وضعیت پدرش در زندان وکیل آباد مشهد گفت: «پدرم در بند ۵ اندرزگاه ۱۰۴ است و تاکنون دو بار دیگر زندانیان به او حمله کرده‌اند. پیگیری کردیم به ما گفتند که اینها تحت تاثیر دارو و روانگردان هستند و دست خودشان نیست. چون در این بند همه مواد مخدری و قتل هستند. بابا میگفت خود زندان به اینها داروی روانگردان میدهد و وضعیت شان خیلی بد است؛ تا جایی که حتی زحمت دستشویی رفتن هم به خودشان نمیدهند. در حالیکه پدر من یک فعال مدنی است و به خاطر بیانیه بازداشت شده و باید در بند سیاسی باشد نه قتل و مواد مخدری.»

به تمام این موارد اضافه کنید اعتصاب غذای آتنا دائمی و گلرخ ایرایی را در اعتراض به عدم رعایت مقررات تفکیک زندانیان در مورد آنها و نامه عاطفه رنگریز از زندان قرچک ورامین^۲ و اعتصاب او در اعتراض به عدم تفکیک زندانیان. بنابراین و با شرح مواردی که گذشت ضرورت حقوق بشری تفکیک زندانیان سیاسی عقیدتی امری بدیهی و فوری است.

هدف قوه قضاییه از عدم رعایت تفکیک زندانیان نسبت به فعالان سیاسی، مدنی و حقوق بشری

سازمان زندان ها بشدت با کمبود بودجه مواجه است^۳ و بنابر گفته رییس سازمان زندانها، تعداد زندانیان در زندانهای ایران بیش از دو نیم برابر ظرفیت مجاز است. همینطور مطابق گفتههای مسئولین سازمان زندانها این سازمان به دلیل کمبود بودجه امکان تهیه آب آشامیدنی برای زندانیان و همینطور ایجاد محیطی بهداشتی برای آنها را ندارد.

این مسئله در گزارش اخیر هرا^۴ و همینطور در صحبتهای خانواده زندانیان سیاسی از قبیل مادر سهیل عربی و همسر ندا ناجی^۵ هم بیان شده است. به همین دلیل، صرفهجویی^۶ بودجهای در دستور کار این سازمان قرار دارد. اما نکته اینجاست که این شرایط دشوار برای همه زندانیان بصورت مساوی است و در حالت کلی شرایط زندان ها خوب نیست.

اما آیا عدم کفایت بودجه میتواند توجهی مناسب برای قرار دادن هزاران زندانی در شرایط هولناک زندان ها باشد که شرحش اسفناک است؟ پاسخ منفی است! قوه قضاییه به عنوان قوهای که سازمان زندانها زیر نظر آن قرار دارد، وظیفه دارد که شرایط انسانی مطلوبی را برای نگهداری زندانیان علی الخصوص زندانیان عقیدتی،

نقض آشکار حقوق بشر خاتمه داد.

1. <https://persian.iranhumanrights.org/07/1398/human-rights-campaign-report-on-leaders-resignation-cases/>
2. <https://www.kampain.info/archive/38367.htm>
3. <https://www.ilna.news/576456/3-امکان-دادن-سه-توده-غذای-مطابق-به-زندانیان-برای->
4. <https://www.hra-news.org/2019/hranews/a-22559/>
5. <https://irvoanews.com/a/iran-human-rights/5017753.html>
6. <https://iranoftheworld.org/fa/طرح-کاهش-مجمولات-حسب-صرفه-جویی-در-بودجه/>

انتقال زندانیان سیاسی به بند جرایم عمومی؛ به قصد آزار؟



علی‌اصغر فریدی

آئین‌نامه سازمان زندان‌ها در مورد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان که حاوی ۷۱ ماده و ۹ تبصره است، در نهم آذر ماه سال ۵۸۳۱ به تأیید و تصویب رئیس وقت قوه‌قضائیه ایران رسید، اما این آئین‌نامه تاکنون حداقل در مورد زندانیان سیاسی و امنیتی، به درستی اجرا نشده و انتقال زندانیان سیاسی به بند جرایم عمومی موجب به قتل رسیدن چندین نفر از این زندانی‌های سیاسی توسط دیگر زندانیان شده است.

در ماده یک آئین‌نامه سازمان زندان‌ها آمده است که تفکیک و طبقه‌بندی عبارت است، از جداسازی زندانیان از یکدیگر در زندان، بازداشتگاه و یا مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از حیث جنس، سن، نوع جرم، وضعیت قضایی (متهم و محکوم) و وضعیت سلامتی.

از طرفی در قانون مصوب سال ۶۹۳۱ توهین به روسای سه قوه، وزراء، نمایندگان مجلس، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، توهین به رییس یا نماینده سیاسی ایران در خارج از کشور و نشر اکاذیب چنانچه مبتنی بر اصلاح امور کشور بدون ضربه زدن به اصل نظام باشد، جرم سیاسی تلقی می‌شود که تشخیص سیاسی بودن جرم با دادسرا و قاضی است.

در این مصوبه همچنین با تأکید بر تفکیک زندانیان سیاسی از سایر زندانیان آمده است، متهمین به جرم سیاسی باید مجزا و به

صورت جداگانه از زندانیان جرایم عادی نگهداری شوند. این مصوبه زندانیان سیاسی را از پوشیدن لباس زندان در طول دوران بازداشت معاف کرده و علاوه براینکه بر عدم استرداد این متهمان تأکید کرده، حق ملاقات و مکاتبه با خانواده درجه یک در طول دوران بازداشت و حق دسترسی به کتاب نشریات و تلویزیون را نیز برای آنها قائل شده است.

در بند ۲ ماده ۰۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل نیز که در اردیبهشت ماه سال ۴۵۳۱ به تصویب مجلس ایران رسید، آمده است که، متهم باید جدا از محکومین نگهداری شوند و ماده ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۲۹۳۱ نیز نگهداری محکومان و متهمان در یک مکان را ممنوع کرده است. چرا که که متهم شخصی است که هنوز مورد محاکمه قرار نگرفته است و این امکان وجود دارد که پس از برگزاری دادگاه تبرئه شوند.

با این حال عملاً بحث تفکیک جرایم در زندان‌های مختلف ایران هنوز رعایت نمی‌شود و تا کنون شاهد درگیری و حتی قتل چند زندانی سیاسی توسط زندانیان کیفری بوده‌ایم، این موضوع را با محمد حسین آقاسی وکیل دادگستری در میان گذاشتیم که مشروح این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید.

قانون جزایی و قضایی ایران در مورد نحوه نگهداری از



زندانیان سیاسی و عقیدتی چگونه است؟ آیا آنها باید به همراه زندانیان عمومی در یک بند نگهداری شوند یا در این رابطه قانونی برای تفکیک وجود دارد؟

در این رابطه قانونی وجود ندارد. برای اینکه آئین‌نامه سازمان امور زندان‌ها هست که تعیین و مشخص کرده که باید زندانی‌ها بر اساس نوع جرمی که مرتکب شده‌اند، تفکیک و دسته‌بندی و یا به صورت دیگری، به طور جداگانه نگهداری بشوند. به خصوص در مورد زندانی‌هایی که سیاسی و امنیتی و مطبوعاتی، پیش‌بینی شده که جدا از سایر زندانیان عادی نگهداری بشوند و حتی در زندان اوین هم در تهران این محل‌ها کاملاً مشخص شده و جدا هستند.

با توجه به اینکه این تفکیک در برخی موارد اجرا نشده، به نظر شما انتقال زندانیان عقیدتی و سیاسی به بخش جرائم عمومی با چه هدف و انگیزه‌ای صورت می‌گیرد و چه عواقبی برای زندانی به دنبال دارد؟

انگیزه‌ها می‌تواند متفاوت باشد، بعضاً برخی از مامورین یا رئیس زندان، به علت عصبانیتی که به دلیل برخی از رفتارهایی که از این زندانی‌ها سر می‌زند، تصمیم می‌گیرند که به عنوان تنبیه، آنها را به زندان‌های عادی منتقل می‌کنند، اما این عمل به هر حال غیرقانونی و نقض آئین‌نامه‌ای است که من به آن اشاره کردم.

با توجه به اینکه تا کنون چندین زندانی سیاسی و عقیدتی، پس از انتقال به بند جرایم عمومی توسط دیگر زندانیان این بند، مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و بعضی از آنها متأسفانه جانشان را از دست داده‌اند، از چه طریق قانونی می‌توان از انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بند زندانیان عمومی جلوگیری کرد؟

کسانی که متضرر از این اقدام هستند، یا اگر شخصی به قتل برسد، اولیای دم، می‌توانند از مسوولان زندان شکایت کنند. اگر متشاکیان اعضای نیروی انتظامی باشند، مرجع رسیدگی به شکایت، دادرسی سازمان قضایی نیروهای مسلح است. اگر در زمره نیروهای انتظامی نباشند، مرجع رسیدگی دادرسی کارکنان دولت است. باید شکایت بکنند و تعقیب کنند. البته بعد از کشته شدن آن جوانی که در فشافویه به قتل رسید، دستورات اکیدی را ظاهراً رئیس قوه قضائیه صادر کرده است. اما همیشه مسئولین امر قانون را دقیقاً رعایت نمی‌کنند.

آیا دستور انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بخش جرائم عمومی توسط رئیس زندان صورت می‌گیرد یا با دستور قاضی این کار انجام می‌شود؟

قاضی ناظر زندان چنین دستوری ندارد. نمی‌تواند چنین دستوری بدهد و معمولاً هم چنین دستوری نمی‌دهد. چون اینها از اینکه تخلفی اینچنینی مرتکب بشوند واهمه دارند.

این اقدامات معمولاً توسط مسئولین و مامورین زندان صورت می‌گیرد، کمتر اتفاق می‌افتد که قاضی چنین دستوری را صریحاً صادر کند، اگر چه ممکن است اشاره‌ای بکند و بخواهد که این کار صورت بگیرد، ولی کتبا چنین دستوری را صادر نخواهد کرد.

با توجه به اینکه آئین‌نامه سازمان زندان‌ها اصل تفکیک زندانیان را قایل شده است، چرا در موارد متعددی این آئین‌نامه اجرایی نشده که در مواردی هم موجب ضرب و شتم و حتی قتل زندانیان سیاسی و عقیدتی به زندانیان جرایم عمومی، شده است؟

قوانین بسیاری است که توسط مامورین مراعات نمی‌شود و زیر پا گذاشته می‌شود. این هم از آن قوانین است که متأسفانه نقض می‌شود. نتیجه‌اش همانی هست که بعضاً بازهم ما می‌بینیم و شاهدش هستیم. طبیعتاً اگر که اتفاقی رخ بدهد و افرادی شکایت بکنند، آن کسی که این دستور را داده و آن کسی که هم که چنین دستوری را اجرا کرده، هر دو قابل تعقیب و مسئول جبران خسارات شاکی خواهند بود.

اگر دمکراسی داشته باشیم زندانی سیاسی نخواهیم داشت

در آئین‌نامه سازمان زندان‌های ایران، اصل تفکیک جرایم در زندان‌ها پیش‌بینی شده و حتی این اصل نه تنها در خصوص محکومان، بلکه در مورد متهمان نیز اعمال شود. در اصل تفکیک زندانیان، در آئین‌نامه سازمان زندان‌ها آمده است، متهمان امنیتی باید در مکانی ویژه نگهداری شوند. در مورد محل نگهداری زندانیان به صراحت قید شده که، زندانیان با جرایم مختلف باید جدا از هم نگهداری شوند.

این در حالی است که در مواردی برخی از زندانیان سیاسی به بند زندانیان خطرناک منتقل می‌شوند که در مواردی این عمل به درگیری و گاهی اوقات به کشته شدن زندانیان سیاسی توسط مجرمان بند جرایم عمومی، منجر شده است. برای بحث بیشتر در این رابطه با محمد مقیمی، حقوقدان و کارشناس ارشد حقوق بشر، به گفتگو نشستیم که مشروح آن در زیر آمده است.

قوانین ایران در مورد نحوه نگهداری از زندانیان سیاسی و عقیدتی چگونه است؟ آیا آنها باید به همراه زندانیان عمومی در یک بند نگهداری شوند یا در این رابطه قانونی برای تفکیک وجود دارد؟

اگر چه جرم سیاسی پیش‌تر در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی شده بود، اما به هر دلیل و بهانه‌ای این موضوع مسکوت مانده بود و در نهایت، این قانون سه سال پیش به تصویب رسید. بنابراین چند مسئله اینجا به وجود می‌آید.

یکی اینکه، اولاً این قانون جرم سیاسی یک نگاه سنتی به مسئله

اعتراض، انتقاد، نقد قدرت،

اعتراض در مقابل قدرت یا تجمع،

تظاهرات، اعتصاب اینها همه

جزو حقوق شهروندی در جهان به

حساب می‌آیند

سیاسی و جرم سیاسی است. یک زمانی جرم سیاسی مطرح بود، الان دیگر مطرح نیست. این یک دیدگاه سنتی است. الان دیگر به جای جرم سیاسی، ما باید بگوییم اینها مسایلی هستند که در واقع جزو حقوق اساسی افراد محسوب می‌شوند. مثلاً اعتراض، انتقاد، نقد قدرت، اعتراض در مقابل قدرت یا تجمع، تظاهرات، اعتصاب اینها همه جزو حقوق شهروندی در جهان به حساب می‌آیند، بنابراین این نگاه به مسأله جرم سیاسی، یک نگاه سنتی است.

زمانی دمکراسی و چرخش مسالمت‌آمیز قدرت نبود. افراد جامعه مثلاً برای عوض کردن قدرت، به خشونت متوسل می‌شدند. گاهی اوقات اعتراضات خشونت‌آمیز بود. خب! حالا یک چیزی به نام جرم سیاسی هم آن موقع تصویب شده بود، که اگر زمانی، یک زندانی یا متهم سیاسی کنونی بعداً ممکن بود به قدرت برسد، یک امتیازاتی برایش قائل می‌شدند. ولی الان در واقع ما نباید جرم سیاسی داشته باشیم.

یک سری مسائل مانند اعتراض، اعتصاب، تظاهرات، تجمع، انتقاد و نقد قدرت که یک زمانی جرم محسوب می‌شد، الان باید جزو

حقوق اساسی شهروندان محسوب شود و اگر قرار است مزیت و مزایایی هم برای مجرم یا متهم در نظر گرفته شود، برای همه باید باشد. این مزایا باید شامل دادرسی عادلانه باشد و تبعیضی هم بین متهمان نباشد. مثلا اگر قرار است لباس زندانی باعث تحقیر زندانی بشود، تبعیضی ندارد، این تحقیر در مورد تمامی زندانی‌ها باید برداشته شود. تحقیر چیز خوبی نیست و فایده‌ای هم ندارد. یا مزایای برخورداری از کتاب و روزنامه و مجله که چیز خوبی محسوب می‌شود، همه زندانی‌ها باید از آن برخوردار باشند. بنابراین این یک نگاه سنتی است که الان دیگر محلی از اعراب ندارد، الان ما باید در واقع دموکراسی داشته باشیم و حقوق شهروندان.

مسئله دوم اینکه بعد از این همه تاخیر، اکنون که این قانون تصویب شده، این قانون به گونه‌ای به تصویب رسیده که باز آمده استثناهایی را قائل شده است. مثلا کسانی را که به دلیل انتقاد و اعتراض بازداشت و زندانی می‌شوند، نه زندانی سیاسی بلکه زندانی امنیتی به حساب می‌آورد. یعنی در واقع قانون جرم سیاسی را در مورد کسانی که دوست دارند اعمال می‌شود و در مورد مخالفان و منتقدان سیاسی اجرا نمی‌شود.

بنابراین در آن قانون و با آن استثناهایی که قائل شده، قابل اجرا نیست و آنگونه که دوست دارند اجرا می‌کنند. اما به هر حال، در نهایت یک مزایایی را در نظر گرفته، ولی هم در اجرا مشکل دارد و هم در قانونگذاری، به نظر من این قانون قابل انتقاد است، چون خیلی موارد را استثنا کرده است.

آقای مقیمی! به نظر شما، انتقال زندانیان عقیدتی و سیاسی به بخش جرائم عمومی با چه هدف و انگیزه‌ای صورت می‌گیرد و چه عواقبی برای زندانی‌های امنیتی، سیاسی و عقیدتی که به بند مجرم خطرناک منتقل می‌شوند، به دنبال دارد؟

ما یک آئین‌نامه داریم، به نام آئین‌نامه سازمان زندان‌ها که تفکیک جرائم در آن پیش‌بینی شده است. منتها این آئین‌نامه هم به درستی اجرا نمی‌شود. یعنی اینکه اگر همان هم بخواهد اجرا شود، همان به گفته خودشان زندانیان امنیتی هم باید جدا باشد. اما همین آئین‌نامه هم اجرا نمی‌شود و گاهی هم عمدا اجرا نمی‌شود.

بعضی مواقع در یک شهر ممکن است زندان کوچک باشد که ممکن است تعمدی نباشد و نشود که زندان جدید ساخته بشود. در چنین مواردی نمی‌توانیم بگوئیم که عدم تفکیک زندانیان عمدی است. اما در مورد تهران این کار عمدا صورت می‌گیرد

و گاهی اوقات قضات ما برای تنبیه مجرمین به قول خودشان امنیتی، ولی در اصل سیاسی عقیدتی، اینها را داخل زندان‌های عمومی و گاهی وقت‌ها زندانیان خطرناک منتقل می‌کنند، که این هم خلاف قانون است و هم خیلی خطرناک است.

در مواردی ما دیده‌ایم که باعث ضرب‌وجرح و درگیری و حتی قتل شده است. و یا در مورد متهمان امنیتی و سیاسی زن هم، برای تنبیه آنها را به زندان شهر ری واقع در قرچک ورامین منتقل می‌کنند که آن هم واقعا وضعیت فاجعه‌باری دارد. من بارها گفته‌ام و آن هم غیرقانونی است و این کار برای تنبیه و اذیت انجام می‌گیرد که هیچ جایگاه قانونی ندارد.

البته این کار با تمام بدی‌ها و خطراتی که دارد، یک نکته مثبت هم دارد و آن این است که این زندانیان سیاسی که به چنین زندان‌هایی منتقل شده‌اند، از وضعیت این گونه زندان‌ها مطلع شده و اخبار و وضعیت آنجا را به بیرون منتقل کرده‌اند، تا مردم مطلع شوند که مثلا زندان شهر ری چه جهنم بزرگی است.

با توجه به اینکه تا کنون چندین زندانی سیاسی و عقیدتی، پس از انتقال به بند جرائم عمومی توسط دیگر زندانیان این بند، جانشان را از دست داده‌اند. از چه طریق قانونی می‌توان از انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بند زندانیان عمومی جلوگیری کرد؟

ببیند! در واقع مسئولین امر و حکومت باید قانون را رعایت کنند. وقتی قانون از طرف خود حکومت رعایت نمی‌شود، کاری که می‌شود کرد، یکی اعتراض و انتقاد مردم است به طرق مختلف، و یکی هم اینکه از طریق مجلس و کمیسیون اصل نود، از نحوه عملکرد قوه قضائیه شکایت کرد.

آیا دستور انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بخش جرائم عمومی توسط رئیس زندان صورت می‌گیرد یا با دستور قاضی این کار انجام می‌شود؟

معمولا در پرونده‌های امنیتی و سیاسی، این کار با دستور قاضی انجام می‌گیرد.

با توجه به اینکه آئین‌نامه سازمان زندان‌ها اصل تفکیک زندانیان را قائل شده است، چرا در موارد متعددی این آئین‌نامه اجرایی نشده و در مواردی هم موجب ضرب و شتم و حتی قتل زندانیان سیاسی و عقیدتی به زندانیان جرائم عمومی، شده است؟

در بعضی موارد عنوان می‌کنند که کمبود بودجه وجود دارد.



در نهایت باید بگویم ما باید به سمتی برویم که اصلا متهم سیاسی نداشته باشیم. اگر ما دموکراسی داشته باشیم، متهم سیاسی هم نخواهیم داشت تا مجبور بشویم برای آنها امتیازی قائل شویم. اگر دموکراسی داشته باشیم مردم حق نقد قدرت و حکومت را خواهند داشت، حق اعتراض و انتقاد دارند، حق اعتصاب دارند و کسی در این رابطه بازداشت و یا زندانی نخواهد شد. در آن صورت فقط جرم‌های امنیتی مثل جاسوسی باقی می‌ماند که به نظر من در مورد آنها هم هر چیزی که باعث رنج و آزار بشود بی‌فایده است.

هدف قانونگذار در واقع باید اصلاح مجرم باشد نه زجر و ناراحتی مجرم. بنابراین ما نباید مجرم سیاسی داشته باشیم، زندان‌ها باید استاندارد باشند و امکاناتی باید داشته باشد که همه از آن برخوردار باشند و تفکیک جرائم نیز هم در قانونگذاری پیش‌بینی و اجرا بشود، برای اجرا هم باید ضمانت اجرایی بگذارند.

البته این قابل پذیرش نیست و اگر چنین چیزی هست باید بودجه را افزایش بدهند. این یک بهانه است که در بعضی موارد مطرح می‌شود. مثلا در مورد زندان زنان یا شهرستان‌ها، این قابل قبول نیست.

همچنین باید نگاه قوه قضائی و سازمان زندان‌ها به کیفر و مجازات حبس تغییر کند. یعنی کیفر حبس باید طوری اجرا بشود که فقط از مجرم یا متهم سلب آزادی کند، نه بیشتر. یعنی رنجی بیش از سلب آزادی نباید به متهم یا مجرم تحمیل بشود. در واقع یک استانداردهایی باید رعایت شود که مجرم یا متهم مورد آزار و اذیت قرار نگیرد.

از طرفی دیگر هم، قانون باید به صورت جدی‌تر در این زمینه تغییر کند، در واقع اصل تفکیک زندانیان فقط یک آئین‌نامه است و باید به صورت قانون در مجلس هم به تصویب برسد و ضمانت اجرا برایش در نظر گرفته شود که حتی قاضی و رئیس زندان هم حق نداشته باشند خلاف آن عمل کنند.

قتل زندانیان سیاسی در بند جرائم عمومی، قتل دولتی است

چگونگی برخورد و محل نگهداری زندانیان، بخصوص زندانیان سیاسی و عقیدتی، در ایران همواره مورد انتقاد سازمان‌های حقوق بشری و بین‌المللی بوده است.

اگرچه سازمان زندان‌های ایران آئین‌نامه‌ای دارد که مجریان قانون را موظف به تفکیک زندانیان می‌کند و حتی در ماده ۱۶ این آئین‌نامه کمیته‌ای مرکب از نماینده رییس قوه قضاییه، معاون قضایی و اجرای احکام سازمان، معاون سلامت و اصلاح و تربیت، مدیرکل دفتر ارزیابی، بازرسی و پاسخگویی به شکایات و رییس حفاظت اطلاعات را موظف به ضمن نظارت بر حسن اجرای این آیین‌نامه کرده است، اما تا کنون چندین زندانی سیاسی در بند مجرمان کیفری مورد ضرب و شتم قرار گرفته و برخی از این زندانیان نیز توسط مجرمان جرائم کیفری به قتل رسیده‌اند.

برای بررسی این موضوع و دلایل انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بند زندانیان کیفری و گاه خطرناک، با فرشاد حسینی، وکیل دادگستری، به گفت‌وگو نشستیم. مشروح این گفت‌وگو را در زیر می‌خوانید:

قانون ایران ایران در مورد نحوه نگهداری از زندانیان سیاسی و عقیدتی چگونه است؟ آیا آنها باید به همراه زندانیان عمومی در یک بند نگهداری شوند یا در این رابطه قانونی برای تفکیک وجود دارد؟

در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی در این زمینه هنوز تفکیکی در نظر گرفته نشده است. چیزی که وجود دارد، آیین‌نامه سازمان زندان‌هاست که در بند ۶۹ به تفکیک و طبقه‌بندی زندانی‌ها برحسب جرم، سن، جنسیت و ... اشاره می‌کند. ولی اینکه قانونی یا ماده قانونی وجود داشته باشد که زندانیان را با جرائم سیاسی، از زندانیان دارای جرائم کیفری جدا بکند، وجود ندارد.

به طور سنتی البته این تفکیک صورت گرفته، مثلا در دهه شصت خورشیدی، به دلیل بالا بودن آمار زندانیان سیاسی، زندانی‌های سیاسی از زندانیان جرائم کیفری جدا بودند که البته یکی از مهمترین دلایل این کار این بود که وقتی یک زندانی عادی در کنار یک زندانی سیاسی قرار می‌گرفت، افکار و رفتارش تحت تاثیر زندانی سیاسی قرار می‌گرفت. حتی مواردی بوده که زندانی که دارای جرم کیفری بوده، با زندانی سیاسی در یک محل نگهداری شده، پس از آزادی از زندان در جامعه به فعالیت سیاسی پرداخته و بار دوم به عنوان زندانی سیاسی به زندان برگشته و برخی از آنها حتی اعدام شدند.

این مسئله باعث شد که حکومت روی این مسئله حساس شد و سعی کرد که زندانیان عادی را با زندانیان سیاسی و عقیدتی در یک مکان نگهداری نکنند و طرح جداسازی و تفکیک زندانیان جرائم کیفری از زندانیان سیاسی را به اجرا گذاشتند، تا از تحت تاثیر قرار گرفتن مجرمان جرائم کیفری توسط زندانیان سیاسی جلوگیری کنند.

در پاسخ صریح به سوال شما باید بگویم که در این رابطه قانون مدون و لازم‌الاجرائی وجود ندارد که تاکید کند زندانیان سیاسی باید از زندانیان دارای جرائم کیفری تفکیک بشوند. تنها آئین‌نامه سازمان زندان‌ها در این رابطه وجود دارد که در آن بر تفکیک زندانیان بر اساس سن، جنسیت، نوع جرم و ... تاکید کرده است.

با توجه به اینکه تا کنون چندین زندانی سیاسی و عقیدتی، پس از انتقال به بند جرائم عمومی توسط دیگر زندانیان این بند، جانشان را از دست داده‌اند، از چه طریق قانونی می‌توان از انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بند زندانیان عمومی جلوگیری کرد؟

ببینید! همانطور که قبلا هم گفتم، وقتی قانون مدونی وجود نداشته باشد، نمی‌شود به این مسئله استناد قانونی کرد. اما من یک چیزی را در مورد همزیستی زندانیان سیاسی و عمومی باید بگویم: تصویری گویا داده می‌شود که زندانیان کیفری را، یا کسی که قتل کرده است، یک آدم خطرناکی می‌شناسانند که هر کسی را به دستش برسد، می‌کشد. این‌طور نیست! به نظر من قتل زندانیان سیاسی که در بند کیفری اتفاق می‌افتد، بیشتر یک قتل سازماندهی شده دولتی است.

این‌طور نیست که چون یک زندانی سیاسی را انداخته‌اند توی بند زندانیان کیفری، یک عده قاتل مثلا خونشان به جوش آمده یا دعوا شده و زدند او را کشته‌اند. من فکر می‌کنم این قضیه خیلی سازماندهی شده است.

من خودم شخصا تجربه همزیستی با قاتلی را که حکمش اعدام بوده و به عنون مخوف‌ترین قاتل از او نام می‌بردند، در یک سلول داشتم. شب آخری را که با این قاتل گذراندم یکی از بی‌نظیرترین شب‌های بود که ما با هم داشتیم. دردلهایی که می‌کردیم، حرف‌هایی که می‌زدیم، دنیایی که برای همدیگر تصور می‌کردیم، ما مثل برادر شده بودیم. وقتی ما را از هم جدا می‌کردند، برای هم گریه می‌کردیم. یعنی می‌خواهم بگویم یان تصویر که اگر زندانی سیاسی به بند زندانیان عمومی منتقل بشود، او را خواهند کشت، اصلا تصویر درستی نیست.

با توجه به اینکه آیین‌نامه سازمان زندان‌ها اصل تفکیک زندانیان را قایل شده است، چرا در موارد متعددی این آئین‌نامه اجرایی نشده که در مواردی هم موجب ضرب و شتم و حتی قتل زندانیان سیاسی و عقیدتی به زندانیان جرایم عمومی، شده است؟

ببینید! آئین‌نامه‌ای که تفکیک کرده، تفکیک‌ها را خیلی مبهم بیان کرده است. مثلا گفته که این تفکیک بر اساس جنسیت، سن، نوع جرم، وضعیت غذایی و وضعیت سلامتی متهم انجام بشود. در موضوع سن، جنسیت، وضعیت سلامتی تفکیک قائل شده، اما در هیچکدام از آئین‌نامه‌ها و قوانین مربوط به ایران، به صراحت در باره تفکیک زندانیان عقیدتی با زندانیان کیفری صحبتی نشده و تمام معضل هم همین است.

وقتی در قانون از تفکیک این نوع زندانیان صحبتی نشده، بنابراین کسی هم نمی‌تواند از نظر قانونی به کسانی که زندانیان سیاسی را به بند زندانیان کیفری منتقل می‌کنند، ایرادی بگیرد که چرا چنین کاری کرده‌اند.

جمهوری اسلامی ادعا می‌کند که ما زندانی سیاسی و عقیدتی نداریم و اینها زندانیان امنیتی هستند، بنابراین

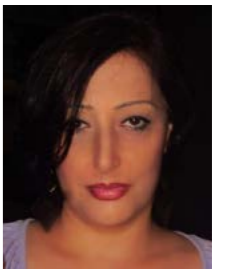


در چارچوب آئین‌نامه سازمان زندان‌ها، انتقال زندانی سیاسی به بخش جرائم عمومی، یک کار غیرقانونی است.

حتی اگر ما اصل را بر صحت این ادعای جمهوری اسلامی بگذاریم، آیا نباید این زندانی‌ها بر اساس جرمی که مرتکب شده‌اند و در آئین‌نامه سازمان زندان‌ها هم آمده جداگانه نگهداری کند؟

قاعدتا باید این کار انجام بشود، همانطوری که زندانیان زیر سن قانونی را هیچوقت در کنار زندانیان بالای سن قانونی نگهداری نمی‌کنند، یا زندانیانی که جنسیت‌شان متفاوت است را نمی‌شود در یک محل و بند نگهداری کرد. به عنوان مثال یک زندانی زن را نمی‌شود در زندان مردها و بالعکس، نگهداری کرد. در آئین‌نامه سازمان زندان‌ها هم به تفکیک زندانی نسبت به نوع کیفر و نوع مجازات حقوقی هم اشاره شده، یعنی در چارچوب این آئین‌نامه انتقال زندانی سیاسی به بخش جرائم عمومی، یک کار غیرقانونی است و می‌شود اعلام جرم کرد.

تفکیک‌نشدن زندانیان بر اساس جرم، تبعات سنگین روحی به بار می‌آورد



شهرزاد کریمی

عدم تفکیک زندانیان سیاسی و عقیدتی یا انتقال آن‌ها به بند عمومی، موضوعی است که بارها دلیل اعتراض و اعتصاب غذای زندانیان بوده و گاه تبعات ناخوشایندی، هم‌چون ضرب و شتم و قتل زندانیان سیاسی و عقیدتی توسط مجرمان دیگر را به دنبال داشته است.

فرمیسک مردینی، حقوق‌دان ساکن استرالیا، معتقد است، حتی آیین‌نامه مورد تأیید سازمان‌ها زندان‌ها هم در ندامت‌گاه‌های مختلف سراسر کشور، به اشکال گوناگون و با شدت و ضعف متفاوت اعمال می‌شود و همین مسئله کار را برای همه سخت‌تر کرده است.

مشروح گفت‌وگوی مجله حقوق ما را با فرمیسک مردینی، در زیر بخوانید.

آیا به نظر شما عدم تفکیک محکومان، به خصوص زندانیان سیاسی و عقیدتی، به شکل هدف‌مند رعایت نمی‌شود؟ اگر پاسخ مثبت است، از دید شما به چه منظور و با چه هدفی به صورت مستمر و با وجود قوانینی در این خصوص، شاهد این‌گونه موارد هستیم؟ در سال‌های گذشته، به دلیل فشار بسیار از سوی سازمان‌های بین‌المللی بر مقامات قضایی و اجرایی ایران برای تغییر در وضعیت زندانیان سیاسی و عقیدتی، نوع تنبیه‌هایی که برای این گروه از زندانیان در نظر گرفته می‌شود متفاوت است. در واقع مقامات امنیتی و قضایی به دنبال راه‌هایی برای فشار

بر زندانیان هستند که تا جای ممکن هزینه کمتری برای آن‌ها داشته باشد، خبرهای مربوط به آن حساسیت کمتری ایجاد کند و در عین حال زندانی تحت فشار روانی و گاه جسمی به صورت مستمر قرار داشته باشد.

یکی از این موارد، عدم تفکیک محل استقرار فرد در زندان بر اساس نوع جرم و یا محدودیت در تماس با خانواده است. عدم تفکیک زندانیان گاه تبعات سنگین روحی و جسمی و یا در مواردی کشته شدن زندانی را به دنبال داشته است.

بندهایی درباره طبقه‌بندی زندانیان، در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها قید شده است، به غیر از این‌که موضوعات مطرح شده در این آیین‌نامه، به طور کلی هدف نهایی‌اش، چگونگی طبقه‌بندی محکومان است و نه توضیح یا دستورالعملی برای حفظ حرمت و حقوق زندانیان، این مسئله هم باید در نظر گرفته شود که آیین‌نامه موضوع داخلی و درون سازمانی است. البته بر اساس همین آیین‌نامه هم راه‌هایی برای پی‌گیری قانونی پیش‌بینی شده، ولی در نهایت دست قانون‌گذار به غایت باز گذاشته شده و تصمیم و انتخاب مسئول زندان، نقش اساسی و اصلی را بازی می‌کند. در درجه اول باید قوانینی مشخص، در ارتباط با تفکیک زندانیان وجود داشته باشد که بشود در صورت نقض آن‌ها قانونا پی‌گیری به عمل آید.

به نظر شما دلیل این‌که با وجود فشارهای بین‌المللی، وجود بندهای قانونی در این جهت در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اعتراضات مکرر زندانی‌ها باز هم شاهد چنین

همین زندان فشافویه با برخی زندان‌های مراکز استان‌ها در ایران، تفاوت نحوه و چگونگی برخورداری زندانیان از حقوق خود بسیار زیاد است. حتی درباره شهرهای بزرگی چون مشهد و تبریز هم می‌توان این را گفت و صرفاً به زندان‌های استان‌های محروم ختم نمی‌شود. یعنی در برخی موارد و طبق گزارش‌های، وضعیت در شهرستان‌ها بدتر است. در چنین شرایطی که قوانین به نفع قانون‌گذار موج و شناور است پی‌گیری قانونی واقعا طاقت‌فرسا است.

شما از تفاوت اجرای قوانین داخلی زندان‌ها و نوع رفتار با زندانیان در ندامتگاه‌های مختلف، خصوصاً تفاوت بین شهرستان و تهران گفتید. دو نکته در این بین وجود دارد. اول این‌که آیا مسئولین، بین خود این زندانیان با یکدیگر تفاوت قائل می‌شوند؟ دوم این‌که چرا گزارش‌هایی که از زندان‌های شهرستان، در رابطه با عدم تفکیک زندانیان منتشر می‌شود کمتر از تهران است؟

اطلاع‌رسانی، میزان دسترسی زندانی به خارج از زندان برای انتشار اخبار مربوط به خود و شناخته شده بودن نام یک محکوم، به دلیل فعالیت‌های قبل و درون زندان، تعیین‌کننده است. هر چه نام یک زندانی شناخته شده‌تر باشد، اخبار مربوط به نقض حقوق او می‌تواند فشار بیشتری بر مسئولین وارد کند. در این موضوع شکی نیست و البته تا حدی نگران‌کننده نیز هست. نگرانی از این بابت که می‌دانیم صدای بسیاری شنیده نمی‌شود یا کمتر شنیده می‌شود.

متأسفانه به دلایل زیادی که مجال بحث آن شاید فی‌الحال مهیا نباشد، حساسیت جامعه ایران به این‌گونه از خبرها روز به روز کمتر می‌شود و این مسئله برای عموم زندانیان می‌تواند عامل ایجاد نگرانی‌های جدی باشد.

اما در ارتباط با زندانیان محبوس در شهرستان‌ها، مسئولین معمولاً توجیحات بیشتری دارند. هم‌چون نبود امکانات، کوچک بودن فضای زندان، کمبود بودجه و حتی آیین‌نامه داخلی سازمان زندان‌ها که با توجه به ظرفیت زندان‌ها می‌تواند در اجرای قوانین محدودیت ایجاد کند. در نهایت کمتر شنیده شدن صدای اعتراض زندانیان در مناطق دور از مرکز، با توجه به فضای شدت امنیتی در اطراف و محیط زندانیان سیاسی، متأسفانه امری محتمل است که باز هم می‌گویم شوربختانه امکان آگاهی یافتن از وضعیت فرد در بند را محدودتر می‌سازد و این به هیچ‌عنوان مطلوب نیست و نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد.



اتفاقاتی هستیم، چیست؟

همان‌طور که شاهدهیم، موضوعات بسیاری وجود داشته که زندانیان ناچار شدند، به همین دلیل دست به اعتصاب غذاهای طولانی مدت بزنند و البته در همان هم تضمینی برای رسیدن به خواسته‌هایشان نبوده است.

در واقع، ابزار قانونی که در این رابطه وجود دارد، ناکارآمد است، به دلیل این‌که در همان آیین‌نامه، تصمیم نهایی با مسئولان زندان است و می‌توانند برای عدم انجام تفکیک در مورد هر زندانی، دلایل مختلف قانونی بیاورند.

عدم نظارت واقعی بر عمل‌کرد سازمان زندان‌ها، این سازمان را به مجموعه قلعه‌هایی با حکومت‌های مستقل و قوانینی خودساخته تبدیل کرده است. به واقع هر کدام از زندان‌ها، کیفیت اجرای قوانین، شدت آن و گاه نوعش را، با سلیقه متفاوتی اعمال می‌کنند.

مثلاً تفاوت زندان فشافویه با اوین را همه ما زیاد شنیده‌ایم. در این دو زندان بطور مشخص از وضعیت ملاقات‌های زندانی با بستگانش تا وضعیت تفکیک و بسیاری موارد دیگر که جزئی از حقوق زندانی است، تفاوت‌های فاحشی وجود دارد. بین

تفکیک نکردن زندانیان سیاسی، با هدف فشار و شکنجه صورت می‌گیرد

مدتی پس از به قتل رسیدن «علیرضا شیرمحمدی»، زندانی سیاسی ۲۱ ساله در جریان حمله دو زندانی جرایم خطرناک در زندان فشافویه، سخن‌گوی قوه قضاییه، گفت: «افرادی که به عنوان زندانیان سیاسی تعبیر می‌شوند، کسانی هستند که با گروه‌های تروریستی و گروه‌های معاند با اصل نظام، اصل انقلاب و سرویس‌های جاسوسی در جریان نفوذ و غیر نفوذ همکاری داشته‌اند. استفاده از عبارت زندانی سیاسی برای این افراد مایه تاسف است.»

اما هوشمند رحیمی، وکیل دادگستری، معتقد است دستگاه قضا تعمداً عناوین اتهامی سیاسی این زندانیان را، امنیتی اعلام می‌کند و حتی اتهامات عده‌ای از زندانیان سیاسی گمنام، با پرونده‌سازی و انتساب قاچاق مواد مخدر، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

شرح گفت‌وگوی مجله حقوق ما را با هوشمند رحیمی، حقوق‌داده‌ن، در زیر می‌خوانید:

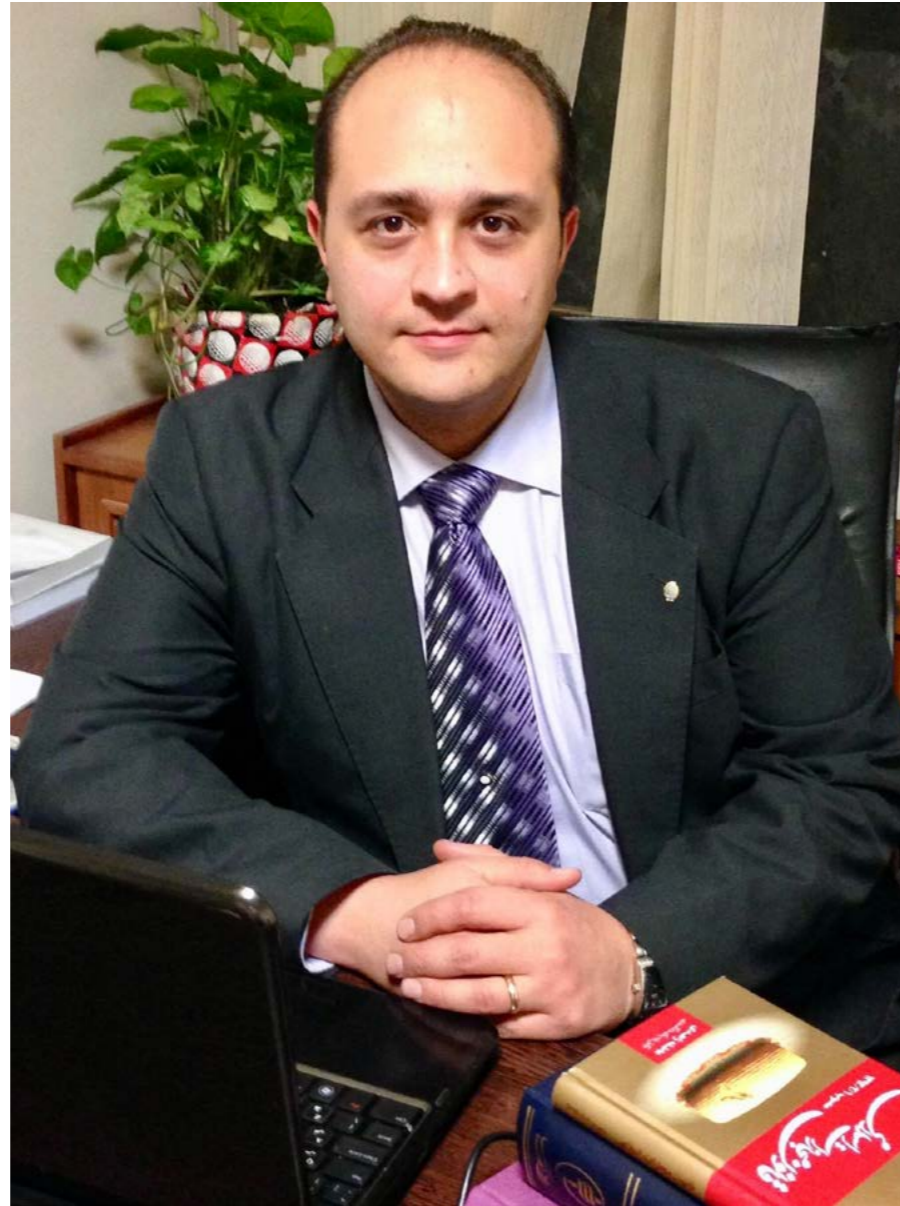
قانون جزایی و قضایی ایران، در مورد نحوه نگهداری از زندانیان سیاسی و عقیدتی چگونه است؟ آیا آن‌ها باید به همراه زندانیان عمومی، در یک بند نگهداری شوند یا در این رابطه قانونی برای تفکیک وجود دارد؟

در ایران، زندانیان سیاسی با عنوان زندانی امنیتی شناخته می‌شوند و البته این نشأت گرفته از ایراد قانونی ما است. چرا که تعریفی که قانون جرایم سیاسی از جرم سیاسی ارائه می‌دهد، عمدتاً در زمره جرائم علیه امنیت کشور در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ هستند و از این رو، دستگاه قضا

بدون ایراد و صحیح است.

اما در پاسخ به پرسش، اگر این افراد تحت عنوان متهم سیاسی محاکمه شوند، مزایایی در قانون پیش‌بینی شده است. ماده ۶ آن قانون صراحت دارد در این‌که محل نگهداری ایشان، چه در دوران بازداشت و چه گذراندن محکومیت، باید مجزا از سایر محکومان باشد. یا ممنوعیت انفرادی برای این افراد، مگر در شرایطی بسیار دشوار، که آن هم نباید از پانزده روز تجاوز کند.

در حالی که نمونه‌های بسیاری، از جمله همکار و دوست



دست همه این افراد، از رأس هرم قدرت تا پایین‌ترین سطح آن در زندان، آلوده به خون این محکومان یا متهمان است.

گرامی من، امیرسالار داوودی، ۴۲ روز در انفرادی بوده است. آیین‌نامه‌ای هم در سال ۱۳۸۵ به تصویب ریاست وقت قوه قضاییه می‌رسد، که وفق مواد ۷ و ۸ این آیین‌نامه، زندانیان طبقه‌بندی و دسته‌بندی می‌شوند.

بنابراین این دسته از محکومان باید در مکانی جداگانه نگهداری شوند. اما همان‌طور که پیشتر نیز ذکر شد، ایشان تحت عناوین امنیتی محاکمه می‌شوند که البته باز هم برای نگهداری آنها، مکان‌های خاص پیش‌بینی شده است.

به نظر شما انتقال زندانیان عقیدتی و سیاسی به بخش

جرائم عمومی با چه هدف و انگیزه‌ای صورت می‌گیرد و چه عواقبی برای زندانی به دنبال دارد؟

این پرسش بسیار عمومی هست و باید دید منظور از جرایم عمومی چیست؟ اگر منظور شما محکومان مالی است، که علی‌القاعده خطری ایشان را تهدید نمی‌کند، اما این‌که ایشان در بندی قرار گیرند، که اصطلاحاً مجرمان خطرناک در آن نگهداری می‌شوند، محل تأمل است.

نمی‌توان به ضرس قاطع در این باره سخن گفت، اما تجربه می‌گوید که این‌گونه موارد، از آن رو که انتقال زندانی وفق ماده ۲۲۱ و تبصره آن از آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها صورت می‌گیرد، باید مقام قضایی و رییس زندان هر دو با این موضوع موافقت کنند. یا در صورت ضرورت، رییس زندان این انتقال را انجام می‌دهد و بعداً مقام قضایی را در جریان می‌گذارد.

به هر تقدیر در جرائم خصوصاً با ماهیت عقیدتی و سیاسی، این قبیل نقل و انتقالات اتفاق می‌افتد. به نظر من این موارد، برای اعمال فشار و شکنجه بر روی شخص است، تا به مواردی اقرار کند. مثلاً در مورد زنده یاد علیرضا شیرمحمدعلی، حذف زندانی هدف بود، بدون آن‌که پای مقامات در اذهان عمومی به میان بیاید و صرفاً یک قتل جلوه کند.

اما دیدیم که این پرسش در سطح جامعه مطرح شد که چرا اصلاً ایشان باید با دو مجرم خطرناک در یک مکان می‌بود و مسئولیت این قتل، به عهده رییس زندان و قاضی است.

حتی ممکن است در پس پرده با پیشنهادهاتی مانند تخفیف در مجازات ایشان را تطمیع کرده باشند. ذکر این نکته هم لازم است که شکنجه، طبق اصل ۳۸ قانون اساسی، قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی ممنوع است و سبب ابطال کل روند رسیدگی اولیه می‌شود، اما در عمل چنین نیست.

با توجه به این‌که تا کنون، چندین زندانی سیاسی و عقیدتی، پس از انتقال به بند جرایم عمومی توسط دیگر زندانیان این بند، جان‌شان را از دست داده‌اند، از چه طریق قانونی می‌توان از انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بند زندانیان عمومی جلوگیری کرد؟

همان‌طور که در پرسش پیشین نیز گفتم، در این مورد رییس زندان و مقام قضایی تصمیم‌گیرنده هستند. ولی در تبصره ۳ ماده ۲۲۱ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، پیش‌بینی شده است که شخص زندانی یا خانواده او، می‌توانند تقاضای انتقال به زندان



یا بخشی دیگر را بکنند. در صورت موافقت باید هزینه نقل و انتقال را بپردازند. در این مورد هم طبق قوانین و آیین‌نامه‌ها، ایشان مجاز نیستند این دسته از محکومین را در کنار مجرمان خطرناک نگهداری کنند. ولی با عناوینی مانند کسری بودجه و نداشتن مکان کافی، از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند.

آیا دستور انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بخش جرائم عمومی توسط رئیس زندان صورت می‌گیرد یا با دستور قاضی این کار انجام می‌شود؟

علی‌الاصول وفق تبصره ۱ ماده ۲۲۱ رییس زندان پیشنهادی را برای شورای طبقه‌بندی ارسال می‌کند، وفق ماده ۶۱ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها: «در هر زندان شورایی با ترکیب زیر بنام شورای طبقه‌بندی زندانیان تشکیل می‌شود: مسئولین واحدهای قضائی، فرهنگی، انتظامی، رئیس اندرزگاه مربوطه، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می‌نماید، با انتخاب رئیس زندان» که به صورت هفتگی تشکیل جلسه می‌دهند و لذا کلیه افراد نامبرده مسئولیت دارند. اما این‌که قاضی بتواند دستور انتقال به مکانی خاص بدهد ممکن است ایشان بتوانند اعمال نفوذ کنند. چرا که

سیستم قضایی ما بیشتر شبیه باند مافیایی می‌ماند تا یک دستگاه قانون‌مدار.

با توجه به اینکه آیین‌نامه سازمان زندان‌ها اصل تفکیک زندانیان را قائل شده است، چرا در موارد متعددی این آیین‌نامه اجرایی نشده و در مواردی هم موجب ضرب و جرح و حتی قتل زندانیان سیاسی و عقیدتی توسط زندانیان جرایم عمومی، شده است؟

فقط آیین‌نامه سازمان زندان‌ها نیست، بلکه قانون جرائم سیاسی و آیین‌نامه نحوه طبقه‌بندی هم در این میان موثر است. اما به قول خود قضات دادگاههای انقلاب، ایشان در جزیره‌ای جداگانه، با قوانین خاص خودشان به موضوع رسیدگی می‌کنند و این موضوع لاجرم، به زندان‌ها نیز سرایت می‌کند.

به نظر بنده، با توجه به این‌که رییس دستگاه قضا وفق شق دوم بند ۶ ماده ۱۱۰ قانون اساسی، منصوب از سوی رهبری است و سایر مسئولین و منصوبان از سوی این مقام، مآلاً منصوبان غیرمستقیم رهبری محسوب می‌شوند، پس دست همه این افراد از رأس هرم قدرت تا پایین‌ترین سطح آن در زندان، آلوده به خون این محکومان یا متهمان است.

تعداد زیاد زندانیان، زندان‌های کوچک و معضل تفکیک زندانیان

در مسئله تفکیک زندانیان بر اساس نوع جرم، موضوعی که کمتر مد نظر گرفته می‌شود، نظارت است. آیا برای نظارت بر زندان‌ها و چگونگی اعمال قوانین، نهادی جز قوه قضاییه وجود دارد؟ فرشته تابانیان، وکیل دادگستری، معتقد است اگر اداره زندان‌ها به دولت واگذار شود، برای نظارت و بازخواست مسئولین زندان‌ها هم امکان بیشتری فراهم خواهد شد و در پی آن کمتر شاهد آسیب‌دیدگی و گاه قتل زندانیان سیاسی عقیدتی خواهیم بود.

در اساس پیشینه، سن، جنسیت، نوع جرم و مدت مجازات، زندانی باید یا به زندان یا مراکز فنی حرفه‌ای، که الان به نام مراکز بازپروری یا مراکز تاملینی و تربیتی معرفی می‌شوند فرستاده شود. پس اگر این دو ماده قانونی را با هم مقایسه کنیم متوجه می‌شویم که فقط متهمان باید جدا از محکومان نگهداری شوند و با توجه به نوع جرم و مشخصاتی که در ماده ۶۹ آمده، باید به مراکز مربوطه معرفی شوند.

در آیین‌نامه نحوه تفکیک زندانیان مصوب سال ۸۵ باز هم این موارد قید شده است. مخصوصاً در ماده ۷ با توجه به ظرفیت اسمی زندان‌ها، گفته شده که چگونه باید طبقه‌بندی انجام شود. به عنوان نمونه در این ماده آمده: طبقه‌بندی جرائم در زندانی با ظرفیت اسمی ۷۰۰ نفر، به چهار گروه تقسیم می‌شوند.

اول جرائم مالی است، مثل کلاهبرداری، ارتشا، سرقت، چک و... دوم جرائم بانندی و سازمان یافته، مثل قتل عمد، سرقت مسلحانه، آدم ربایی است.

سوم، جرائم ویژه با حساسیت عمومی، مثل جاسوسی و اقدام علیه امنیت ملی که جرائم سیاسی و امنیتی و عقیدتی شامل همین طبقه می‌شود و چهارم، جرائم مواد مخدر است.

پس با توجه به ظرفیت ۷۰۰ نفری، هر کدام باید جداگانه مشخص شوند. در همین مورد بیان شده، شورای طبقه‌بندی می‌تواند تصمیم بگیرد که با توجه به شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی، یک زندانی را جداگانه نگهداری کند و یا در طبقه‌بندی خارج از جرمش نگهداری شود. این از اختیارات شورای طبقه‌بندی اعلام شده است. درباره زندان‌هایی که با ظرفیت اسمی زیر سیصد نفر و یا سیصد تا هفتصد نفر هستند، عنوان شده که جرائم اسیدپاشی زنان، لواط

آیا در قوانین ایران تعریفی برای جرم سیاسی وجود دارد و این تعریف در زندان‌های ایران چقدر کاربرد دارد؟

در قانون ایران جرم سیاسی، علی‌رغم این‌که تعریف شده، ولی اجرایی نشده است. در بین زندانیان ایرانی، کسی را با عنوان جرم سیاسی نداریم و جرائم امنیتی، شمول بیشتری نسبت به جرائم سیاسی را در برمی‌گیرد. البته در زندان‌ها، جرائم بیشتر به جرایم مالی و غیر مالی تقسیم می‌شوند.

ویژگی‌های فردی یا نوع جرم زندانیان، چه تاثیری در نوع تفکیک آن‌ها در قوانین زندان‌های ایران دارد و مسئله تفکیک زندانیان، وقتی در رابطه با تعداد محکومان هر ندامت‌گاه یا ظرفیت آن قرار می‌گیرد به چه شکل است؟

در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، تبصره یک ماده چهار عنوان شده که اولاً، باید متهمان از محکومان جدا نگه داشته شوند. یعنی کسانی که متهم هستند و هنوز حکمی برای آن‌ها صادر نشده و در مرحله دادسرا هستند، حتماً باید جداگانه از محکومان نگهداری شوند. دوم این‌که، به موجب ماده ۶۹ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها عنوان



و ضرب و جرح عمدی باید جداگانه نگهداری شوند. پس ما با دو مسئله روبرو هستیم: نخست نوع جرم و دوم ظرفیت اسمی زندان است که مشخص می‌کند، مجرمین کجا و چگونه نگهداری شوند.

موارد متعددی از ضرب و شتم و یا حتی قتل محکومان، با جرم‌های سیاسی و عقیدتی، توسط دیگر زندانیان اتفاق افتاده است. برخوردهایی که با این مسئله صورت گرفته، عموماً موردی و محدود به یک دوره زمانی بوده و در بسیاری موارد هم نتوانسته انتظارات را برآورده کند. آیا تغییری در قوانین، برای جلوگیری از این اتفاقات بوجود آمده و اساساً از دیدگاه شما چگونه می‌توان جلوی وقوع چنین اتفاقاتی را گرفت؟

هم‌اکنون اداره سازمان زندان‌ها، با اجرا و نظارت قوه قضاییه است. برای این‌که ما بتوانیم، کمتر شاهد خشونت علیه زندانی‌های سیاسی و عقیدتی باشیم، باید اداره سازمان زندان‌ها به دولت واگذار شود. زندانیان باید در اداره زندان مشارکت فعال داشته باشند. شاید بدین وسیله بتوان، جان زندانیان را نجات داد. اگر قوانینی تصویب

شود که اداره زندان‌ها در دست دولت قرار گیرد، چون بودجه این زندان‌ها توسط دولت تامین خواهد شد، قوه مقننه می‌تواند بر زندان‌ها نظارت داشته باشد.

در شرایط فعلی، قوه مقننه نمی‌تواند قوه قضاییه را بازخواست کند یا مسئولین آن را برای پاسخگویی نسبت به اتفاقاتی که در زندان می‌افتد، دعوت کند. ولی اگر اداره زندان‌ها در دست دولت باشد، در آن صورت قوه قضاییه، کمیسیون اصل نود و کمیسیون حقوقی قضایی مجلس می‌توانند دولت را بازخواست کنند. می‌تواند درباره این‌که، چرا چنین اتفاقاتی در زندان می‌افتد طرح سوال مطرح شود و در پی آن، رفت و آمد و بازرسی زندان هم راحت‌تر خواهد بود. من امیدوارم چنین قانونی تصویب شود.

آیا دستور انتقال زندانیان سیاسی و عقیدتی به بخش جرائم عمومی توسط رئیس زندان صورت می‌گیرد یا با دستور قاضی این کار انجام می‌شود؟

برای تقسیم‌بندی زندانیان رییس زندان اختیارات کامل دارد. او با توجه به امکانات و فضای که در اختیار دارد، زندان را به بندهای مختلف تقسیم‌بندی می‌کند. این تقسیم‌بندی، با هدف اداره بهتر زندان انجام می‌شود. البته یکی از وظائف شورای طبقه‌بندی هم، تقسیم‌بندی زندانیان است.

در تبصره ماده ۷ آیین‌نامه تفکیک زندانیان، عنوان شده که شورای طبقه‌بندی می‌تواند حسب تحصیلات، ویژگی‌های اخلاقی، خصوصیات رفتاری و چگونگی شخصیت زندانیان، آنان را در هر یک از طبقات، جدا از طبقه خاص خودشان قرار دهد. پس این از وظائف و اختیارات شورای طبقه‌بندی هم هست که این کار را انجام دهد.

یکی از مهمترین مسائلی که باعث می‌شود این آیین‌نامه رعایت نشود، کمبود مکان و هم‌چنین بودجه است. وقتی تعداد زندانیان زیاد است و متأسفانه مکان زندان‌ها کوچک، نمی‌توان کامل این آیین‌نامه را اجرایی کرد. بنابراین تفکیک جرایم انجام نمی‌شود و در نتیجه، شاهد خشونت زندانیان خطرناک، علیه دیگر زندانیان می‌باشیم. مثلاً در زندان کرمانشاه ظرفیت اسمی ششصد نفر است، در حالی‌که چهارهزار مددجو یا زندانی، تحت پوشش قرار دادند. البته این آمار مربوط به سال ۹۶ است.

توجه کنید که کرمانشاه زندانش بزرگتر نشده و ظرفیت اسمی همان است. ولی مطمئناً تعداد زندانیان بیشتر شده است. وقتی تفکیک جرایم انجام نشود، زندانیان عادی به مجرمان پرخطر تبدیل می‌شوند. این خطر بزرگی است، که امیدوارم مسئولین بیشتر به آن بپردازند.

حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم
دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر
ایران/ محمود امیری مقدم
سرمدبیر این شماره: مریم غفوری
تماس با مجله: mail@iranhr.net

